

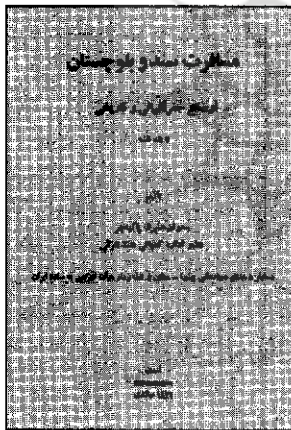
# سیری در سفرنامه‌های بلوچستان

## ○ عباس سرافرازی

عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

### ۱- سفرنامه سند و بلوچستان:

این کتاب، خاطرات سفر هنری پاتینجر، عضو اداره کمپانی هند شرقی می‌باشد. وی سفر خود را در سال ۱۸۱۰ میلادی (۱۲۲۵ ه. ق / ۱۱۸۹ ه. ش) از هندوستان آغاز نمود و خاطرات خود را در سال ۱۸۱۶ میلادی در لندن منتشر ساخت. شرح سفر وی در سال ۱۳۴۸ توسط دکتر شاهپور گودرزی ترجمه گردید و توسط انتشارات دهخدا به چاپ رسید.<sup>۱</sup> سفرنامه هنری پاتینجر از ۱۵ بخش



تشکیل شده است. نویسنده، ماجرای سفر خود را از بمبئی تا شیراز و بغداد و بصره شرح می‌دهد و در ضمن خاطرات خود، مطالب بسیار مهمی از آداب و رسوم و عادات و سنن مردم بلوچ مسیر راه خود را ارائه می‌دهد. وی ملاقات‌های متعدد خود با خوانین و سرداران بلوچ را بیان می‌کند و اطلاعات تاریخی و جغرافیایی مهمی ارائه می‌دهد. پاتینجر مأمور سیاسی بود که در لباس تاجر اسب مسافرت می‌کرد. نقشه‌هایی از بلوچستان تهیه نمود که این نقشه‌ها بعداً مورد استفاده ژنرال گلداسمید مأمور مرزبندی و جدایی بلوچستان «انگلیس» از ایران و ژنرال سرپرسی سایکس مأمور دیگر کمیسیون‌های مرزی قرار گرفت.

به طور کلی سفرنامه پاتینجر مشتمل بر دو کتاب است که دو موضوع را به طور همزمان مورد بررسی قرار می‌دهد: یک قسمت حاکی از شرح عادات، آداب و رسوم و سنن مردم مسیر مسافرت سیاح، یعنی شرقی‌ترین نقطه بلوچستان و کناره‌های رود سند می‌باشد که مطالب وی، بلوچستان غربی (بلوچستان ایران) را نیز دربرمی‌گیرد و مؤلف مطالبی را در خصوص اقوام سرزمین‌های کلات، خاران، بمپور، بزمن، فهره و سرباز و ده‌ها منطقه دیگر ارائه می‌نماید.

سفرنامه‌هایی که درخصوص بلوچستان به رشته تحریر درآمده است را می‌توان به چند گروه تقسیم نمود. گروه اول نوشته‌های سیاحان اروپایی که بیشتر در دوره قاجاریه تحریر شده است. سیاحان اروپایی را نیز می‌توان به دو دسته تقسیم‌بندی نمود.

یک دسته کسانی هستند که به خاطر تحقیقات علمی، زمین‌شناسی، باستان‌شناسی، و... به بلوچستان مسافرت کرده‌اند، افرادی مانند: یوهان اشترایش بلژیکی، پیرمردی که در زمینه زبان و فولکلور تحقیق می‌نمود و مستر هانس، جوان اطریشی که برای تحقیقات در ارتباط با زمین‌شناسی به بلوچستان مسافرت نمود.<sup>۱</sup> آنان از خود سفرنامه‌هایی به جای گذاشته‌اند که به فارسی ترجمه نشده است.

دسته دوم: مأموران نظامی و سیاسی اروپایی می‌باشند که با هدف‌های خاص جمع‌آوری اطلاعات تاریخی، سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی، نقشه‌برداری، حفاظت از تلگرافخانه‌ها و عملیات نظامی وارد بلوچستان شده‌اند؛ افرادی مانند هنری پاتینجر (۱۸۱۰ م) ژنرال کریستی (۱۸۱۰) ژنرال دایر (۱۹۱۶) و سرپرسی سایکس که همه انگلیسی بودند و همچنین برخی از مأموران آلمانی مانند اسکارفن نیدرمایر، زوگمایر و زایلر که خاطرات نیدرمایر با عنوان زیر آفتاب سوزان ایران توسط کیکاووس جهانگیری در سال ۱۳۶۳ ترجمه شده و در آن قسمت‌هایی از نوشته‌های زایلر نیز آمده است.<sup>۲</sup>

گروه دوم کسانی که به بلوچستان آمده‌اند، برخی حکمرانان بلوچستان و ایرانیانی می‌باشند که به بلوچستان مأمور شده‌اند و از خود یادداشت‌ها و سفرنامه‌هایی به جا گذاشته‌اند. این سفرنامه‌ها را می‌توان از نظر زمانی به دو دسته سفرنامه‌های دوره قاجاریه و سفرنامه‌های دوره پهلوی و انقلاب اسلامی دسته‌بندی نمود.

خاطرات سیاحان اروپایی به غیر از تعداد محدودی که بنا به مصالح سیاسی اجازه انتشار نیافته، بقیه به زبان‌های انگلیسی، آلمانی و فرانسه چاپ گردیده که برخی از آنها به فارسی نیز ترجمه شده است. در ادامه این نوشتار تلاش شده، مهمترین سفرنامه‌های اروپائیان درخصوص بلوچستان که به فارسی ترجمه شده‌اند، معرفی گردد:



«پاتینجر» مأمور سیاسی بود  
 که در لباس تاجر اسب،  
 مسافرت می کرد. نقشه‌هایی  
 از بلوچستان تهیه نمود  
 که این نقشه‌ها،  
 بعداً مورد استفاده ژنرال  
 «گلد سمید»، مأمور مرزبندی  
 و جدایی بلوچستان (انگلیس)  
 از ایران و  
 ژنرال «سرپرسی سایکس»،  
 مأمور دیگر کمیسیون‌های مرزی  
 قرار گرفت

مرتبه در سالهای ۱۹۰۵ م / ۱۳۲۳ هـ. ق. و ۱۹۱۶ م / ۱۳۳۴ هـ. ق به ایران مسافرت کرد.

سفرنامه سایکس از چند نظر حائز اهمیت است: اول این‌که، وی زبان فارسی را خوب می‌دانسته، لذا شخصاً با مردم در ارتباط بوده و از کتابهای تاریخی قدیم و سیاحت‌نامه‌های جهانگردان قبل از خود به خوبی استفاده کرده است.

دوم این‌که وی با تیزبینی خاصی، اوضاع تاریخی و جغرافیایی هر منطقه را با دقت و وسواس مورد مطالعه قرار داده و ضمن اظهار عقیده نسبت به اوضاع اجتماعی، مانند دیگر سیاحان انگلیسی، مسائل را غرض‌آلود و از روی دشمنی بیان نکرده، اگرچه جانب دولت خود را نگه می‌دارد ولی ایرانیان را از هر جهت بر تمام مردم مغرب آسیا برتر می‌داند و گفته راولینسون را که می‌گوید: «هیچ‌یک از ملل این قاره بزرگ در تیزهوشی و بلندفکری به پای ایرانیان نمی‌رسند» تأیید نموده، و بالاخره پیشرفت ایران و ترقی کشور ما را آرزو کرده است. اطلاعاتی که سایکس درخصوص بلوچستان ایران و انگلیس (آن زمان)، ناحیه کلات و خان‌های بلوچستان و فرماندهان کرمان و بلوچستان ارائه می‌دهد در نوع خود بی‌نظیر است، به طوری که می‌توان اذعان نمود در هیچ منبعی دیده نمی‌شود. گزارشات وی درخصوص کمیسیون سرحدی ایران و انگلیس در سال ۱۸۹۵ / ۱۳۱۳ گرچه خالی از اغراق نیست ولی در عین حال قابل اعتنا می‌باشد چرا که وی در آن زمان کنسول انگلیس در کرمان بوده و در این کمیسیون معاون سر توماس هلدیخ، رئیس نمایندگی انگلیس در کمیسیون بوده است.

از امتیازات دیگر سفرنامه سایکس آن است که چون او در زمره مأموران عالیرتبه سیاسی انگلیس بوده، به اسناد محرمانه و غیرمحرمانه و همچنین گزارشات و سفرنامه‌های منتشر نشده بسیاری از مأموران قبلی دسترسی داشته است و از آن اطلاعات در سفرنامه خود و تاریخ ایران که تدوین نموده، استفاده کرده است.

اکثر مطالب سفرنامه درباره شرق ایران و بلوچستان است. فصل‌های هشتم و نهم تحت عنوان بلوچستان تدوین گردیده، فصل‌های دهم و یازدهم

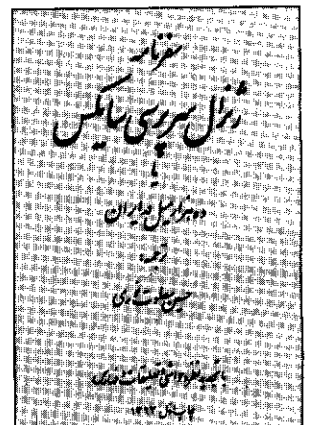
قسمت دوم شامل اطلاعاتی سودمند و مفید در خصوص جغرافیای مناطق و جغرافیای تاریخی و تاریخ اقوام بلوچ است.

از مطالب این سفرنامه به خوبی می‌توان اهداف استعماری انگلیسی‌ها را در برانگیختن اختلاف و جدائی‌ها و تا حدی نیز کاویدن تاریخ مردم بر منوال سیاست روز در سده‌های هیجدهم و نوزدهم مشاهده نمود. با اینکه یکی از اهداف پاتینجر و دیگر مأموران انگلیسی در بلوچستان، انکار حق حاکمیت ایران بر ناحیه کلات و بلوچستان شرقی است اما یک مسأله را حتی وی مکتوب نمی‌دارد و آن نفوذ بیش از حد فرهنگ و زبان فارسی در شهر و ناحیه کلات است او عنوان می‌کند: خانه‌ها، همه به سبک خانه‌های ایرانی است و از گروهی به نام دهوارها یا دهقانان نام می‌برد که زبان محاوره آنان به طور کلی و عمومی فارسی سره و خالص است و آنان را از اعقاب ایرانیان فارسی زبان آن ناحیه برمی‌شمارد.

در پایان کتاب، پاتینجر خلاصه وقایع مسافرت کاپیتان کویستی که همراه پاتینجر بوده اما در بین راه از هم جدا شده‌اند را نیز آورده است.

## ۲- سفرنامه سرپرسی سایکس (ده هزار مایل در ایران):

سرپرسی سایکس، محقق، نظامی و مأمور سیاسی انگلیس، بسیاری از نقاط ایران خصوصاً نواحی شرقی و جنوب شرق ایران را سیاحت نمود و طی شش مسافرت خود به ایران، گزارش‌های مفصل و متعددی درباره مناطق زیادی از ایران برای دولت متبوع خود تهیه نمود. او در سال ۱۹۰۵ / ۱۳۲۳ هـ. ق. سفرنامه‌اش را به رشته تحریر درآورد و آن را به لرد کرزن، نایب‌السلطنه وقت هندوستان تقدیم نمود. پس از تألیف سفرنامه، دو



تحت عنوان مکران (بلوچستان جنوبی) و سرحد (بلوچستان شمالی) حاوی مطالب مهمی است. فصل دوازدهم به نام «از بزمان تا کرمان» اوضاع سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی و تاریخی روستاهای این مسیر را مورد بررسی قرار داده است. فصول هیجدهم تا بیست و یکم، تحت عناوین «از کرمان به کوهک» کمیسیون سرحدی ایران و انگلیس، مطالب بااهمیتی را درخصوص مرزهای ایران و بلوچستان دربردارد. سایکس با اینکه مأمور سیاسی بوده درخصوص تجزیه بلوچستان و نقش آقاخان محلاتی علناً می‌نویسد: قضیه آقاخان به استقلال بلوچستان لطمه وارد آورد و موجبات سقوط این ناحیه را فراهم کرد. این کتاب توسط آقای حسین سعادت نوری ترجمه و در سال ۱۳۶۳ توسط انتشارات لوحه منتشر شده است.

### ۳- مهاجمان سرحد:

مهاجمان سرحد، خاطرات ژنرال رچینالد دایر، مأمور اعزامی و از فرماندهان نظامی ارتش انگلستان در هند بود که در فوریه سال ۱۹۱۶ میلادی به منطقه «سرحد» در بلوچستان ایران اعزام شد تا سرداران بلوچ ایرانی را که در این زمان همانند سایر سیاستمداران و رجال میهن‌دوست و آزادیخواه در مرکز و سایر نقاط کشور به آلمان گرایش پیدا کرده بودند به دوستی مجدد با انگلستان تشویق کند. آنها بدین وسیله می‌خواستند از نفوذ آلمانها به افغانستان و هندوستان جلوگیری نمایند. اما سرداران بلوچ ایرانی در جنگ‌های متعددی با انگلیسی‌ها درگیر شدند. سردار خلیل خان گمشازی در جنگ با انگلیسی‌ها و دفاع از سرحد در سنگر جان باخت و بقیه سرداران چون از کمک دولت ایران ناامید شدند تسلیم گردیدند. سفرنامه دایر دارای نقاط قوت و ضعف بسیاری است. نوشته‌ها خالی

از خودستایی و مبالغه نیست، روحیه سراسر انگلیسی‌ستیزی مردم بلوچ کاملاً نمایان است، گرچه گرایشاتی به آلمانها نیز وجود دارد ولی این گرایشات جز چند تماس کوچک چیز دیگری نیست. احساس همبستگی با آلمان در آن هنگام در ایران به چند علت وجود داشته است:

- ۱- این احساس همبستگی در ایران عمومی بود و مردم در مقابل مظالم روس و انگلیس به آلمان گرایش پیدا کرده بودند و بلوچها که جدا از ایران نبودند دارای این احساس بودند خصوصاً به خاطر تنفیری که از انگلیس‌ها داشتند.
- ۲- فتوای جهاد علمای عثمانی مبنی بر حمایت از آلمان و شایعه مسلمان شدن ویلهلم دوم، قیصر آلمان.
- ۳- کمکهای مالی و بذل و بخشش‌های آلمانی‌ها.

از بحث‌های جالب کتاب دایر علی‌رغم اینکه بسیاری از منابع غربی تلاش دارند یک خط فاصله بین فارس‌ها و بلوچ‌ها ایجاد نمایند این است که این کتاب نشان می‌دهد زبان و فرهنگ فارسی در بین بلوچ‌ها کاملاً رواج داشته و تکلم به آن بسیار طبیعی بوده است. وی زمانی که از دستگیری شاه سوار، یکی از سرداران «سرحد» صحبت می‌کند و از مجلس ملاقات خود با گل بی‌بی، همسر شاه سوار گزارش می‌دهد می‌نویسد: «لباس‌های سفید و مزین به گل‌دوزی‌های رنگارنگ ایرانی بر تن داشت و به زبان فارسی برای ما سخنرانی کرد و یک قالی بسیار زیبای ایرانی را به من هدیه داد»<sup>۴</sup>. و در مقدمه کتاب از قول یان کولوپن که شرح حال ژنرال دایر را نوشته آمده است وقتی جیندخان، سردار یاراحمدزایی برای ملاقات با دایر به هندوستان آمده بود به زبان شیوای فارسی سخن می‌گفت.<sup>۵</sup>

کتاب مهاجمان سرحد که به نظر می‌رسد باید نام آن را مذاقعات سرحد گذاشته از مهم‌ترین منابع تاریخ بلوچستان در آغاز قرن بیستم است که متأسفانه تاکنون ناشناخته مانده بود. این کتاب توسط دکتر احمدی ترجمه و نشر نی آن را منتشر نمود. با این کتاب برخی از مسائل ناشناخته در تاریخ معاصر بلوچستان مشخص می‌گردد. این سفرنامه علاوه بر اهمیتی که در تاریخ بلوچستان دارد، مطالب درخور توجهی را درخصوص اوضاع و احوال اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بلوچستان و روابط طوایف بلوچ با یکدیگر ارائه می‌نماید.

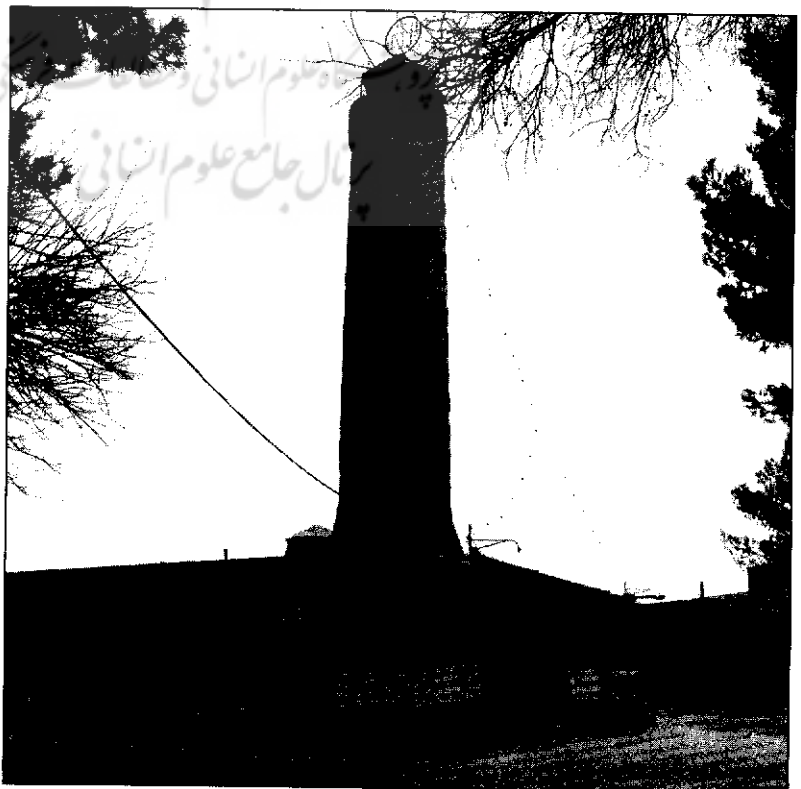
\* \* \*

### مهمترین سفرنامه‌های ایرانیان درباره بلوچستان:

سفرنامه‌نویسی در بین ایرانیان و مسلمانان دارای سوابق زیادی است. این سنت در عصر صفویه متداول بوده و پس از آن در دوره قاجاریه بر اهمیت سفرنامه‌نویسی و تلویین خاطرات افزوده گشت. عصر درخشان سفرنامه‌نویسی دوره قاجاریه خصوصاً عصر ناصری است. علت رواج سفرنامه‌نویسی را در دوره ناصرالدین شاه باید در چند امر دانست:

- الف - پس از سفر شاه به اروپا، نوشتن سفرنامه در ایران مرسوم گردید و شاه خود این عمل را انجام می‌داد: «این کار پسندیده ستوده را اعلیحضرت اقدس همایونی خود ترویج فرمود و در این عصر جدید از افاضل کمتر کسی باشد که مسافر باشد و رحله نافع ننویسد»<sup>۶</sup>.
- ب - ناصرالدین شاه می‌کوشید تا از اوضاع کشور با اطلاع باشد و به این وسیله شاید وضع مملکت را بهبود بخشد: «دستور داده بودند که اشخاص با بصیرت و تمیز بر سر مستغلات و مزارع آن ممالک رفته از روی تحقیق عوارض و مالوجهات هر جا را ممیزی کردند و در تحت تسویه و تعدیل آوردند»<sup>۷</sup>.

۱- از قدیمی‌ترین سیاحان دوره قاجاریه که به بلوچستان مسافرت نمود «میرزا مهدیخان سرتیپ مهندس ایرانی است که از جانب دولت به مساحت بلوچستان مأمور شده و شرح مسافرت



کتاب «مهاجمان سرحد»  
که به نظر می‌رسد  
باید نام آن را  
مدافعان سرحد گذاشت،  
از مهم‌ترین منابع  
تاریخ بلوچستان  
در آغاز قرن بیستم است  
که متأسفانه تاکنون  
ناشناخته مانده بود

اشخاصی صحبت به میان می‌آورد که در دیگر منابع اشاره‌ای به آنها نشده است و به این طریق گوشه‌هایی از تاریخ و جغرافیای ناشناخته بلوچستان را معرفی می‌نماید. اصل سفرنامه چهل و سه صفحه است. پنجاه صفحه مقدمه و سی صفحه توضیحات آقای محمدرسول دریاگشت، مصحح کتاب به آن افزوده شده است. این کتاب به همت مرکز کرمان‌شناسی در بهار ۱۳۷۰ به چاپ رسیده است.

خود را به صورت کتابچه در روزنامه نمره ۲۵۸ نقل نموده و اعتمادالسلطنه درجلد اول مرآت البلدان، قسمتی از کتابچه وی را که شامل مساحت و معرفی آبادی‌های بلوچستان و شرحی از سوانح و وقایع عمده آن سرزمین است به رشته تحریر درآورده است.<sup>۱</sup>

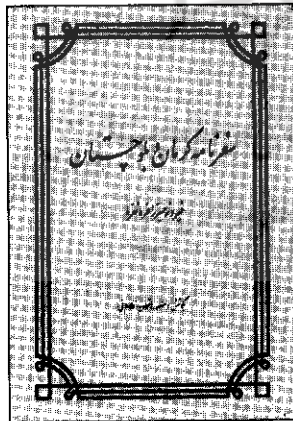
## ۲ - سفرنامه بلوچستان (از ماهان تا چابهار):

نویسنده سفرنامه مشخص نیست ولی گویا یکی از منشیان و درباریان ظل‌السلطان آن را نوشته که اسم خود را قید نکرده است. احتمال دارد که این سفرنامه پیش از سال ۱۳۰۳ هـ / ۱۸۸۶ میلادی تألیف شده باشد. از آنجا که این گزارش برای شاه تنظیم شده، مشخص است وی مامور بوده که وضعیت این منطقه محروم را مورد بررسی قرار دهد. گویا مؤلف نواحی دیگر بلوچستان را دیدار کرده که شرح آنها را در کتابچه‌های جداگانه‌ای تنظیم نموده است.



## ۲ - سفرنامه کرمان و بلوچستان (فیروز میرزا نصرالدوله):

از دیگر کسانی که به بلوچستان مسافرت کرده، حکمران کرمان و بلوچستان، فیروز میرزا است که این کار را به دستور ناصرالدین شاه انجام داده است. وی شانزدهمین پسر عباس میرزا بود. دلیل اینکه وی به دستور شاه این مسافرت را انجام داده آن است که وی با وجود نفوس و پیروی به این مسافرت دشوار تن داده است. هدف وی از این مسافرت تنها



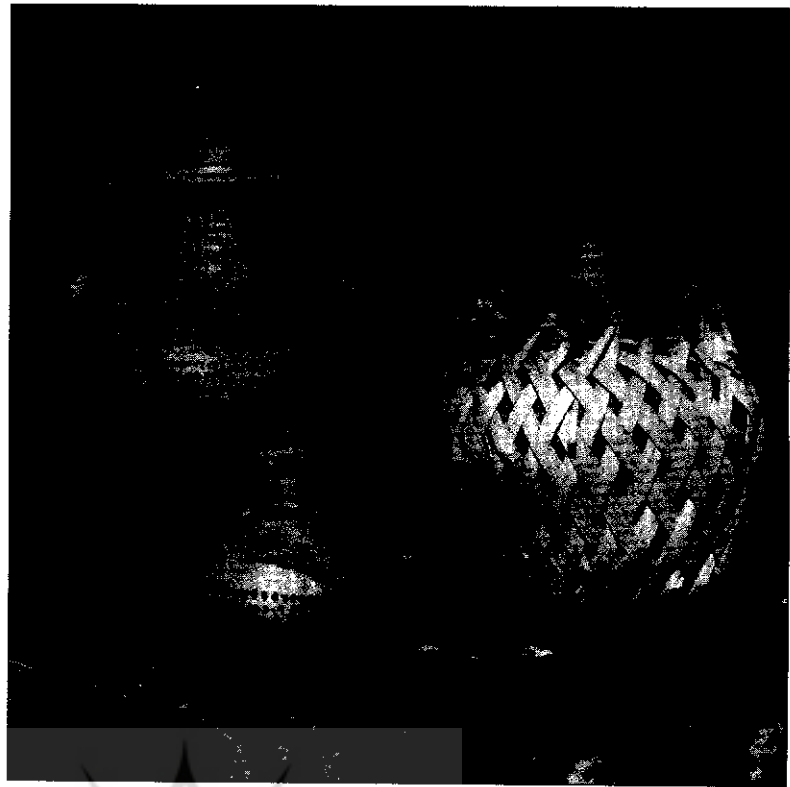
سرکشی از رعایا نبوده، بلکه در آن زمان انگلیسی‌ها برای حفظ منافع خود در بلوچستان مشغول فعالیت در بین طوایف بلوچ بودند. فیروز میرزا که به منظور رسیدگی به مسائل عمرانی به بلوچستان مسافرت کرده از استعداد کشاورزی این سرزمین صحبت می‌کند و از اوضاع موجود اظهار تأسف می‌کند و تصریح می‌کند که به بلوچستان رسیدگی نمی‌شود.<sup>۲</sup>

سفرنامه فیروز میرزا، حاوی مطالب ارزنده‌ای درخصوص اوضاع جغرافیایی، وضعیت معیشت و اوضاع اجتماعی و اقتصادی بلوچستان در دوره قاجاریه می‌باشد. وی سفر خود را از کرمان آغاز کرده و تا کوچه‌گردان و بمپور ادامه داده و از طرف کوچه‌گردان، چاه‌شور و کهنوج به طرف بیم برگشته است. از آنجا که گزارش این سفر برای شاه نوشته شده و شاه آن را خوانده و با خط خود در

این سفرنامه شرح مسافرت وی در نواحی جنوبی بلوچستان تا چابهار است. دکتر یاستانی پاریزی در مقدمه‌ای که بر این سفرنامه نگاشته‌اند به چند دلیل احتمال داده‌اند که رساله سفر متعلق به عبدالحمید میرزا ناصرالدوله فرمانفرما پسر فیروز میرزا است<sup>۳</sup> که از سال ۱۲۹۸ هـ / ۱۸۸۱ تا ۱۳۰۹ هـ / ۱۸۹۱ میلادی حکمران کرمان و بلوچستان بوده و در دوران حکومت خود شش مرتبه به بلوچستان مسافرت نموده و برخی از مهمترین روسای بلوچ را به انقیاد در آورده است.<sup>۴</sup>

سفرنامه بلوچستان، از ماهان شروع می‌شود و مؤلف از کرمان تا بمپور نوزده منزل و از بمپور تا چابهار چهارده منزل را پیموده و ضمن گزارشی از این مناطق، نظرانی را در ارتباط با رفع مشکلات این نواحی ارائه کرده است. وی از آبادیها و

از بخش های جالب کتاب  
«مهاجمان سرحد»  
این است که  
نشان می دهد زبان و  
فرهنگ فارسی  
در بین بلوچ ها کاملاً رواج داشته  
و بسیار طبیعی بوده است در حالی  
که بسیاری از منابع غربی تلاش  
دارند یک خط فاصله بین فارس ها  
و بلوچ ها ایجاد نمایند



حاصل می توان برداشت، پنبه خوبی به عمل می آید، گاوهای قوی هیكل دارند اما طوری وضع بلوچستان پاشیده از هم و مختل است که به وصف در نمی آید، حاکم با همت و خوشدل و کارگزاری لازم دارد تا در بلوچستان بماند، آباد نماید و ساخلو بگذارد و سرکشان را سرکوب نماید.<sup>۱۶</sup>

علاءالملک راههایی جهت ترویج و آبادانی پیشنهاد می کند و در خصوص نقش انگلیسی ها در دوران پس از جدایی بلوچستان انگلیس از ایران و اقدامات آنها در این زمان که جنگ جهانی اول در شرف وقوع بوده، مطالبی را ذکر نموده و در پایان نتیجه سفر خود را در سه چیز می داند:

اول اینکه: بعد از فوت ناصرالدین شاه و تغییر حکومت، کسی به بلوچستان رسیدگی نکرده و خوانین چون تصور کرده اند دولت از بلوچستان صرف نظر کرده بنای خودسری گذاشته اند و برخی به حمایت انگلیسی ها درآمده اند که باید به این وضع رسیدگی شود.

دوم اینکه: انگلیسی ها موافق اسنادی که داشته اند و به وزارت خارجه تسلیم شده هفتاد هزار تومان را از تبعه ایران ادعا می کرده و از بلوچ ها یا دولت ایران می خواسته اند لذا به خاک ایران دست اندازی می نمایند.

سوم: دولت باید توجه بیشتری به بلوچستان و تشکیل حکومتی در آن ناحیه داشته باشد تا به دولت اعتقاد پیدا نمایند.

سفرنامه علاءالملک به کوشش سیف الله وحید توسط انتشارات وحید در سال ۱۳۶۴ در نود صفحه منتشر گردیده و با اینکه تئری مغلوپ دارد قابل اعتنا است. این رساله مشتمل بر هشتاد عنوان و موضوع است و اطلاعات تاریخی و جغرافیایی نسبتاً خوبی را در اختیار قرار می دهد.

#### سفرنامه های بلوچستان دوره پهلوی و انقلاب اسلامی:

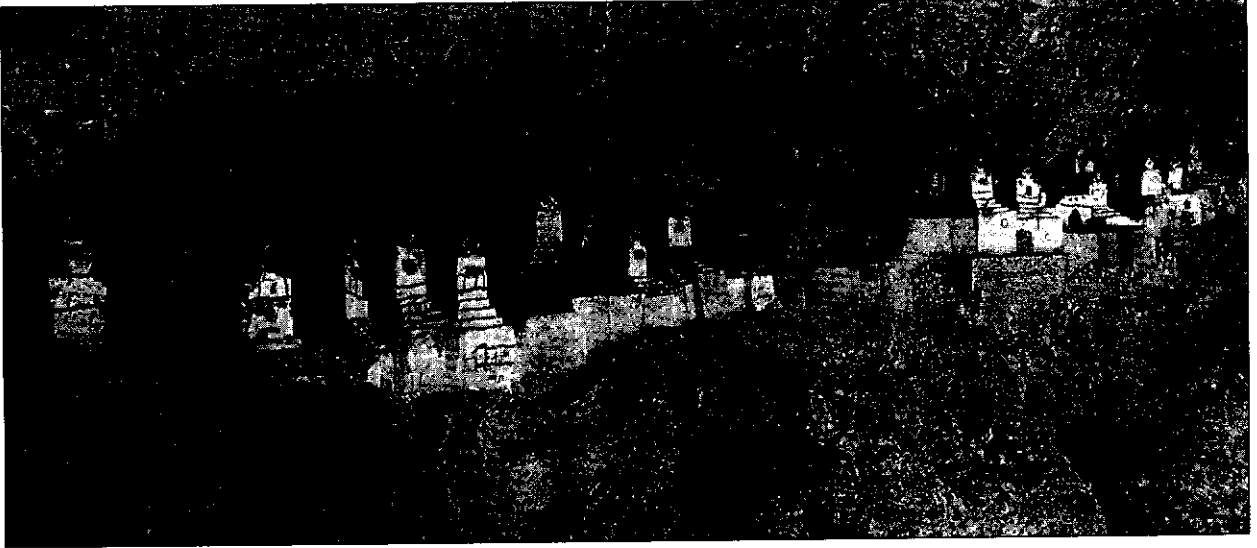
درباره بلوچستان در دوران پهلوی نیز کتابهایی نوشته شده است. برخی از آنها اگر چه عنوان سفرنامه ندارد اما از آنجا که تلفیقی از مشاهدات مؤلف و برخی از کتابها است حائز اهمیت می باشند. از جمله این کتابها می توان از نوشته های سپهبد امان الله جهانبانی به نام های سرگذشت بلوچستان و

بالای آن نوشته است «تماماً ملاحظه شد»،<sup>۱۷</sup> احتمالاً در آن دروغ و مبالغه های وجود ندارد، فیروزمیرزا به روشنی از بدبختی، فلاکت و فقر و اوضاع نابسامان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بلوچستان سخن می گوید، نقاط قوت و ضعف منطقه را بیان می کند، از جنگل های انبوهی نام می برد که امروزه از آنها اثری وجود ندارد، با دقت کامل از آثار تاریخی، قنوات، منازل، رودخانه ها، وضع راهها و غیره سخن می گوید. سفرنامه کرمان و بلوچستان به کوشش خانم دکتر منصوره اتحادیه در هشتاد و شش صفحه، در سال ۱۳۶۰ و توسط انتشارات بابک به چاپ رسیده است.

#### ۳ - سفرنامه بلوچستان (علاءالملک):

سید محمود دیبا (علاءالملک) نویسنده سفرنامه بلوچستان، اصالتاً تبریزی و مدتی در اداره حکومتی آذربایجان سمت محصلی محاسبات را داشته و ملقب به وکیل دفتر بوده است. در سال ۱۳۱۹ ه. ق / ۱۹۰۱ میلادی مدتی حکمران کرمان گردید.<sup>۱۸</sup> در این سمت در صدد سفر به بلوچستان برآمد. وی هدف خود از مسافرت به بلوچستان را تعیین

مرزهای بلوچستان انگلیس، تنفیذ قرارداد گلداسمید و انجام اموراتی در بلوچستان اعلام نموده است. وی در بیست و دوم دسامبر ۱۹۰۱ میلادی برابر با سلخ شعبان ۱۳۱۹ هجری از کرمان عازم بلوچستان گردید و اطلاعاتی را از وضعیت بلوچستان پس از فوت ناصرالدین شاه فراهم کرده است. وی سه سال پس از سفر سرپرسی سایکس به بلوچستان رفته، از گرانی گندم و نگرانی مردم سخن می گوید و می نویسد: «من خودم به شدت بلوچستان و این سمتها را بی ادوکه نمی دانستم.»<sup>۱۹</sup> و عنوان می کند: «در بلوچستان همه جور



## «ژنرال رجینالد دایر»، مامور اعزامی و از فرماندهان نظامی ارتش انگلستان در هند بود که در فوریه سال ۱۹۱۶ م به منطقه «سرحد» در بلوچستان ایران اعزام شد تا سرداران بلوچ ایرانی را که در این زمان، همانند سایر سیاستمداران و رجال میهن دوست و آزادیخواه در مرکز و سایر نقاط کشور به آلمان گرایش پیدا کرده بودند به دوستی مجدد با انگلستان تشویق کند.

مرزهای آن و عملیات قشون در بلوچستان نام برد. عملیات قشون در بلوچستان که شرح لشکرکشی وی در سال ۱۳۰۷ به بلوچستان است، شامل چگونگی اعاده حاکمیت دولت مرکزی در دوره رضاشاه همراه با مطالب تاریخی جغرافیایی، خصوصاً نقشه‌های متعدد و بسیار دقیقی در مورد عوارض طبیعی راهها و کوهستانهای بلوچستان می‌باشد. مؤلف اطلاعات جامعی درخصوص مناطق بلوچستان و طوایف ساکن در بلوچستان ارائه می‌دهد. سیدحسین تقی‌زاده مطالب قابل توجهی درباره تاریخ عمومی و قدیم بلوچستان به کتاب اضافه نموده که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. این کتاب در بهمن ماه ۱۳۰۷ توسط چاپخانه مجلس برای اولین بار چاپ گردیده و در سال ۱۳۲۶ تجدید چاپ شده است.

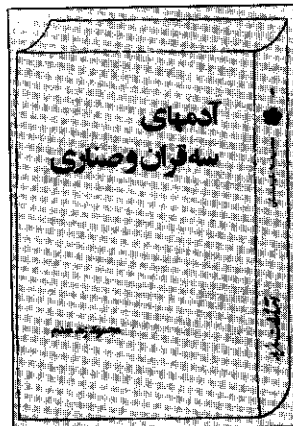
است. قسمت مهمی از فصل‌های این قسمت مشتمل بر گفت‌وگو با حاج کریم‌بخش سعیدی، سردار طایفه سعیدی و نماینده مجلس دوره پهلوی می‌باشد. اطلاعاتی درخصوص جنگ‌های بلوچها با انگلیسی‌ها، فرقه مذهبی ذکریها، طوایف مختلف بلوچ، آداب و رسوم، مراسم مذهبی، تجارت و... آمده که می‌تواند مورد استفاده محقق تاریخ و فرهنگ بلوچستان واقع گردد.

جلد دوم حکایت بلوچ شامل خاطرات سفرهای سالهای ۱۳۵۰ و ۱۳۴۹ و ۱۳۴۸ می‌باشد که اطلاعاتی را درخصوص ناحیه «سرحد» بلوچستان، طوایف ریلی، اسماعیل زهی، گمشاد زهی و کردها و روابط و مناسبات این طوایف با انگلیسی‌ها و دولت مرکزی ایران ارائه می‌دهد. تغییر رژیم سلطنتی از قاجاریه به پهلوی و تأثیرات این دگرگونی در بلوچستان و مطالبی درخصوص سیک‌ها و اهل سنت نیز آمده و اطلاعات مسوطی در ارتباط با قنات‌ها، رودخانه‌ها، چاه‌های آب، سیستم آبیاری و مسائل آب نیز ذکر گردیده است. حکایت بلوچ در دو جلد و پانصد و پنجاه صفحه تدوین گردیده و با اینکه نقاط ضعفی دارد و نویسنده بدون ارزیابی و دریافت صحت و سقم مطالب، گفته‌های برخی را ذکر نموده که بعضاً مغرضانه است اما جنبه‌های مثبت بسیاری را در لابلاهای این خاطرات می‌توان یافت.

سرگذشت بلوچستان و مرزهای آن نیز شرح گزارش و خاطرات سیهید امان‌الله جهانبانی درخصوص چگونگی تحدید مرزهای بلوچستان می‌باشد که به صورت کتابی چاپ شده و عنوان سفرنامه ندارد. از آنجا که وی رئیس کمیسیون رفع اختلافات بود و مدت‌ها در بلوچستان به سربرده و حتی به خاک پاکستان و شهر کویته عزیمت نموده و به مدارک و اسناد مهمی دسترسی داشته، نوشته‌های او حائز اهمیت است. مشارالیه از امرای طراز اول ارتش دوران پهلوی اول و دوم بود.

### ۱- حکایت بلوچ (دوره پهلوی اول):

حکایت بلوچ<sup>۱</sup> مجموعه خاطرات، نقل قول‌ها و گفت‌وگوها و سیری در احوال اهل بلوچستان، شهرها، روستاها و طوایف آن سامان است که دکتر محمود زند مقدم طی سفرهای خود در سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۰ آنها را به رشته تحریر درآورده و در سال ۱۳۷۰ در دو مجلد به چاپ رسانده است. وی اولین سفر خود را در سال ۱۳۴۳ از زاهدان آغاز کرده و مسائلی را از قول ایوب خان مبارکی درخصوص وضعیت بلوچستان، طوایف و تاریخ بلوچستان و ماجرای دادشاه نقل می‌کند. سفرهای دوم و سوم وی در پاییز و زمستان سال ۱۳۴۵ صورت گرفته که این قسمت خاطرات و مطالب نویسنده درخصوص، زاهدان، ایرانشهر، چابهار، طبس، نوبندیان، دشتیاری، باهوکلان، راسک و دیگر مناطق



### ۲- آدمهای سه قران و سناری<sup>۲</sup>

تألیف دکتر محمود زند مقدم، آدم‌های سه قران و سناری، جزوه و مجموعه کوچکی شامل چهار و پنج صفحه خاطرات مؤلف است که تحت عنوان مجموعه شماره ۳ بلوچستان در سال ۱۳۵۶ توسط انتشارات مازیار به چاپ رسیده است. این مجموعه که مؤلف به نحوی آن را در کتاب حکایت بلوچ آورده، روایتی از ادامه محرومیت‌های بلوچستان پس از

اصلاحات ارضی است، که بلوچستان مانند سایر نقاط ایران دستخوش تحول و دگرگونی شد. هر چند این تحول هنوز در آن زمان تأثیری از خود در بلوچستان بر جای نگذاشته بود. مؤلف مشاهدات خود را از ایرانشهر، اسپکه، تنگه سرخه و روستای هیجان به رشته تحریر درآورده است و در پایان گزارش کوتاهی از حدیث دادشاه و کشته شدن کارل آمریکایی و همسرش به روایت یکی از سرداران بلوچ و مردم بلوچ ارائه می‌دهد.

### ۳. سفرنامه نظری به بلوچستان:

نظری به بلوچستان، خاطرات

سفر آقای محمد برقی، استاد دانشگاه

بوعلی‌سینای همدان به بلوچستان

است که در سال ۱۳۵۱ صورت گرفته

است. وی از زاهدان عازم ایرانشهر،

بهور اسپکه، سورمیچ، چامف، لاشار،

فنوج بنت - نیک شهر، چابهار،

دشتیاری گردیده و اطلاعات زیادی

ارائه می‌دهد. وی نیز مانند دیگر

سیاحان بلوچستان از گرما، کمبود مواد

غذایی، کمبود زمین قابل کشت،

نقصان آب، عدم سرمایه برای بهره‌برداری از آبهای تحت‌الارضی و دوری از

تمدن و فقر و مشکلات مردم آن مناطق صحبت به میان می‌آورد، گزارشی از

گفت‌وگوهای خود با مردم بلوچ و رؤسا و خوانین آن سامان را ذکر کرده و

گوشه‌هایی از تاریخ نانوشته و غیرمکتوب بلوچستان را از قول روایان زنده آشکار

می‌سازد. نگاهی به طوایف بلوچ، نوع زمین‌داری در بلوچستان، روابط بلوچ‌ها و

فارس‌ها، مهاجرت‌های بلوچ‌ها به پاکستان و شیخ‌نشین‌ها نیز قسمتی دیگر از

این مجموعه را تشکیل می‌دهد. مؤلف که دید و قلمی انتقادی دارد ایراداتی را

بر دستگاه‌های دولتی، رفتار مأمورین، وضع زندگانی و اندیشه مردم وارد ساخته

و خود اقرار بر این دارد که این عیب‌ها را عیان نموده تا اصلاح صورت پذیرد.

مشارالیه اشاره‌ای به برنامه پنجم طرح بزرگ اصلاحی حکومت پهلوی

دارد و عنوان می‌کند دولت فعالیت‌های گسترده و چشمگیری در امر راه‌سازی

و ساخت فرودگاه و غیره در دست اجرا دارد که تأثیر قابل توجهی در زندگانی

مردم بلوچستان خواهد داشت.

سفرنامه نظری به بلوچستان که در صدو هفتاد صفحه در سال ۱۳۵۶

توسط انتشارات مازیار به چاپ رسیده سعی دارد مطالب کلی مانند آداب و

رسوم، معتقدات، شرایط اجتماعی، اقتصادی سیاسی و فرهنگی و غیره را

همانطور که نویسنده دیده است، نشان دهد و شرایط اقلیمی و جغرافیایی

منطقه را در گرم‌ترین ماه سال یعنی تیرماه به تصویر بکشد.

### ۴. بلوچستان یادگار مطرود قرون (کمال‌الدین غراب):

سفرنامه بلوچستان یادگار مطرود قرون ۱۹ جزو اولین سفرنامه‌هایی است که پس از انقلاب اسلامی نوشته شده است. آقای کمال‌الدین غراب حدوداً چهار سال و اندی پس از انقلاب اسلامی از بلوچستان دیدار نموده و کتاب خود را در دو قسمت تدوین نموده است. بخش اول پیرامون تاریخ، جامعه بلوچی، تهاجمات خارجی به جامعه بلوچی، عوامل اقتصادی، قشری‌بندی اجتماعی و ساخت قدرت و اعتقادات می‌باشد. نویسنده در بخش دوم مطالبی در خصوص زاهدان، چابهار، طبس، گواتر، پسابندر، پیشین و بسیاری روستاها نوشته است. این مجموعه در سال ۱۳۶۳ طی سی و یک شماره در روزنامه کیهان به چاپ رسیده است. نویسنده علت بسیاری از عقب ماندگی‌ها و ناکامی‌ها در بلوچستان را در نتیجه سیاست‌های غلط حکومت‌های قاجاری و پهلوی می‌داند و با قلم تند و انتقادی خود مظلومیت بلوچها را شرح می‌دهد. وی خوانین و سرداران،

مأموران دولتی، انگلیسی‌ها، رضا شاه و فرزندش را عامل بدبختی و عقب‌ماندگی بلوچستان می‌داند که ممکن است تمامی این نظرات صحیح نباشد با این وجود بلوچستان یادگار مطرود قرون در نوع خود مجموعه‌ای است که تأثیر خود را بر دولت مردان گذاشته و توجه آنان را برای اعتنای بیشتر به بلوچستان برانگیخته است. بر این اساس باید گفت این مجموعه با دید انتقادی که دارد برخی از مسائل و معضلات بلوچستان را نمایان نموده که سیاحان قبلی به خاطر پاره‌ای مسائل در دوره پهلوی از آنها چشم‌پوشی و اغماض کرده‌اند. مؤلف در ضمن گشت و گزار خود در بلوچستان به برخی مشکلات اشاره کرده است. از قبیل: قاچاق کالا و مواد مخدر، بیماری‌های واگیردار، نفوذ عربها و هندیها در جنوب بلوچستان، مشکلات شیلات و صیادان، بازار چابهار و امکان رشد و توسعه اقتصادی آن، وضعیت اقلیتهای مذهبی، مشکلات فرهنگی، اختلافات مذهبی، سطح سواد مردم، مشکلات بهداشتی و امنیتی.

این کتاب همراه ضمیمه در صد و پانزده صفحه به چاپ رسیده که قسمت پایانی کتاب و ضمائم آن را نقشه مسیر حرکت نویسنده و دهها عکس از آثار تاریخی و زندگی مردم تشکیل می‌دهد. کتاب در تابستان سال ۱۳۶۴ توسط سازمان انتشارات کیهان برای مرتبه دوم چاپ شده است.

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- برقی، محمد: نظری به بلوچستان (سفرنامه)، انتشارات مازیار، چاپ چهارم، ۱۳۵۶، تهران، ص ۷۸.
- ۲- نیدرمایر، اسکارفن: زیر آفتاب سوزان ایران، ترجمه کیکاووس جهاننداری، نشر تاریخ ایران، چاپ اول، ۱۳۶۳، تهران.
- ۳- پاتینجر، هنری: مسافرت سند و بلوچستان (اوضاع جغرافیایی و تاریخی)، ترجمه دکتر شاهپور گودرزی، ۱۳۳۸، انتشارات دهخدا، تهران.
- ۴- سایکس، سرپرسی: سفرنامه (ده هزار میل در ایران)، ترجمه حسین سعادت نوری، چاپ اول، ۱۳۶۳، انتشارات لوحه، تهران.
- ۵- دایر، رجینالد: مهاجمان سرحد (روایرویی نظامی انگلستان با سرداران بلوچ ایرانی)، ترجمه دکتر حمید احمدی، نشر نی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ص ۱۲۷، برای اطلاعات بیشتر در مورد این کتاب بنگرید به: تبریزنیا، مجتبی، «تکاپوهای انگلستان در بلوچستان ایران، مقارن جنگ جهانی اول در نگاهی به کتاب مهاجمان سرحد»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا (ویژه تاریخ‌های محلی) شماره ۴۵ - ۴۴، خرداد و تیر ۱۳۸۰، صص ۶۲ - ۶۳.
- ۶- همان، ص ۱۱، روایت یان کولوبن.
- ۷- اعتمادالسلطنه: محمدحسن خان، المائر و الاثار، باب هشتم، صفحه ۱۲۷.
- ۸- اعتمادالسلطنه، المائر و الاثار، باب هشتم، ص ۱۳۰.
- ۹- اعتمادالسلطنه، مرات‌البلدان، ج اول، به کوشش محمدعلی سیانلو، نشر اسفهار، چاپ اول، ۱۳۶۴، تهران، ص ۳۲۶، آقای مدرسی چهاردهی نسخه‌ای از این رساله را در مجله بررسیهای تاریخی شماره ۳، سال هشتم، ص ۲۰۳ چاپ نموده است.
- ۱۰- نویسنده مجهول: از ماهان تا چابهار (سفرنامه بلوچستان) به کوشش محمدرسول دریاگشته انتشارات مرکز کرمان‌شناسی: ۱۳۷۰، کرمان، ص ۲۹.
- ۱۱- وزیری، احمدعلی خان: تاریخ کرمان، انتشارات علمی، ۱۳۷۰، تهران، ص ۸۲۰.
- ۱۲- نصره‌الدوله، فیروز میرزا: سفرنامه کرمان و بلوچستان، به کوشش منصوره اتحادیه، چاپ انتشارات بابک، مقدمه مصحح.
- ۱۳- همان منبع، ص ۱۷.
- ۱۴- احمدعلی خان وزیر، پیشین، ص ۸۷۸.
- ۱۵- علاءالملک: سفرنامه بلوچستان، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، انتشارات وحید، سال ۱۳۶۴، تهران، ص ۳۷.
- ۱۶- علاءالملک پیشین، صص ۴۷ - ۴۸.
- ۱۷- زند مقدم، محمود: حکایت بلوچ، چاپ کارون، جلد اول و دوم، ۱۳۷۰، تهران.
- ۱۸- زند مقدم: محمود: آمه‌های سه قرن و صناری، انتشارات مازیار، ۱۳۵۶، تهران.
- ۱۹- غراب، کمال‌الدین: بلوچستان یادگار مطرود قرون، انتشارات کیهان، تابستان ۱۳۶۴، تهران.